

## دو کتاب به روایت شیخ صدوق

○ محمد کاظم رحمتی

### بازمانده‌هایی از کتاب الاوراق صولی به روایت شیخ صدوق

و منته الغرلدی و متلافياً بذلك تفریطی الواقع فی خدمة حضرتہ راجیاً به قبوله لعذری و عفوہ عن تقصیری و تحقیقه لرجائی فیہ و أملی و الله تعالی ذکره یسبط بالعدل یدہ و یعلی بالحق کلمتہ و یدیم علی الخیر قدرته یسهل المحان بکرمه وجوده و ابتدأت بذکر القصیدتین لانهما سبب لتصنیفی هذا الكتاب» (عیون اخبار، ج ۱، ص ۳).

شیخ صدوق به دلیل فاصله زمانی با روزگار امام رضاعلیه‌السلام، از برخی از آثار مکتوب و تواریخی که به ذکر حالات و احوال امام رضاعلیه‌السلام پرداخته‌اند، بهره گرفته است. بررسی اسناد کتاب عیون اخبار الرضاعلیه‌السلام نشان می‌دهد که یکی از این آثار کتاب الاوراق ابوبکر صولی است.<sup>۲</sup> در موارد متعددی شیخ صدوق به سلسله سند زیر مطالبی درباره امام رضاعلیه‌السلام به نقل از صولی نقل کرده است: «حدثنا الحاکم ابوعلی الحسین بن احمد البیهقی فی داره بنیساپور فی سنة اثنتین و خمسين و ثلثمئة قال: أخبرنا محمد بن یحیی الصولی قراءة علیه...».

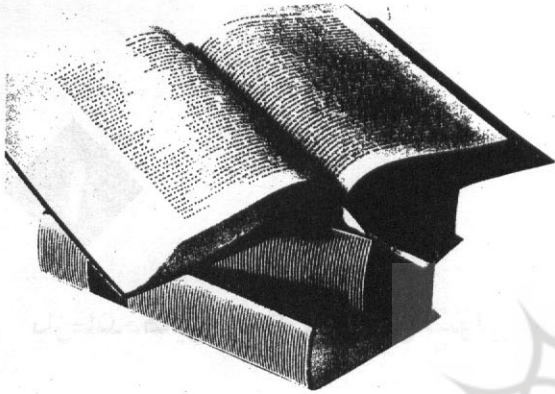
ابوعلی حسین بن احمد بیهقی، راوی واسط میان شیخ صدوق و صولی، از استادان حاکم نیشابوری (متوفی ۴۰۵ ق) است و همو شرح حال وی را در تاریخ نیشابور آورده است. گزیده‌ای از این شرح حال را سمعی در الاصاب (ج ۱، ص ۴۳۹) آورده است. آنچه که سمعی درباره بیهقی به نقل از حاکم آورده، چنین است: «ابوعلی الحسین بن احمد بن الحسن بن موسی البیهقی القاضی الأدیب الفقیه، سمع بنیساپور ابابکر محمد بن اسحاق بن خزیمه و ابوالعباس محمد بن اسحاق السراج و ببغداد ابی‌احمد یحیی بن محمد بن صاعد و ابی‌احمد محمد بن هارون الحضرمی و طبقتهم، سمع منه الحاکم ابو عبدالله الحافظ و ذکره فی التاریخ، فقال: القاضی ابوعلی البیهقی الأدیب الفقیه، کان من أعیان فقہائنا، ولی قضاء نیشابور و غیرها من المدن بخراسان و کان اخباریاً و توفی ببیهق فی سنة ۳۵۹ ق».

منابع رجالی دیگر، اطلاعات بیشتری درباره شرح حال بیهقی به

اشاره: ابوبکر محمد بن یحیی بن عبدالله صولی (متوفی ۳۳۵ یا ۳۳۶ ق)، از تاریخ نگاران قرن چهارم، کتابی در تاریخ خاندان عباسی با عنوان الاوراق فی اخبار آل العباس و اشعارهم نگاشته است. بخش‌هایی از این کتاب، درباره دوران الراضی و المتقی، باقی مانده و به چاپ نیز رسیده است (قاهره، ۱۳۵۴). ظاهراً بخش‌هایی دیگر از این کتاب، مشتمل بر حوادث سال‌های ۲۲۷-۲۵۶ و سال‌های ۲۹۵-۳۱۸، در نسخه‌ای از این کتاب در سن پترزبورگ (لنینگراد سابق) باقی مانده است. شیخ صدوق در تألیف کتاب عیون اخبار الرضاعلیه‌السلام، در ذکر حوادث تاریخی روزگار مأمون (۱۹۸-۲۱۸) از منابعی که در اختیار داشته بهره برده که کتاب الاوراق صولی یکی از این مآخذ است. نوشتار حاضر، مطلبی درباره این بخش‌ها و اهمیت آنهاست.

### شیخ صدوق و کتاب عیون اخبار الرضا علیه‌السلام

ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (متوفی ۳۸۱ ق) آثار فراوانی از خود برج نهاده که کتاب عیون اخبار الرضاعلیه‌السلام یکی از این آثار است. علت تألیف این کتاب برخورد شیخ صدوق با دو قصیده از ابوالقاسم اسماعیل بن عباد (متوفی ۳۸۵ ق) در ستایش از امام رضاعلیه‌السلام بوده است.<sup>۱</sup> شیخ صدوق می‌نویسد: «وقع الی قصیدتان من قصاید الصحاب الجلیل کافی الکفاة ابی القاسم اسماعیل بن عباد أطال الله بقاءه و ادام دولته و نعمائه و سلطانه و أعلاه فی اهداء السلام الی الرضا علی بن موسی ابن جعفر... علیهم‌السلام، فصنف هذا الكتاب لخزانتہ المعمورة ببقائه، اذ لم أجد شیئاً أثر عنده و أحسن موقعاً لندیه من علوم اهل البیت علیهم‌السلام لتعلقه بحبهم و استمساکه بولایتهم و اعتقاده بفرض طاعتهم و قوله بامامتهم و اکرامه لذریتهم، ادام الله عزه و احسانه الی شیعتهم قاضیاً بذلك حق انعامه علی و متقرباً به الیه لایادیه الزهر عندی،



دست نمی‌دهند. برای مثال ذهبی در تاریخ الاسلام (وفیات ۳۵۱-۳۸۰: ص ۱۹۱) به اختصار از بیهقی سخن گفته که همان را سبکی در طبقات الشافعیة الکبری (ج ۳، ص ۲۷۰-۲۷۱) نقل کرده است. طریق شیخ صدوق در نقل از صولی، به بیهقی منحصر نمی‌شود و چند خبر از طریق محمدبن ابراهیم بن اسحاق طالقانی و یک خبر از طریق احمدبن یحیی المکتب از صولی آورده است. فهرست این نقل قول‌ها چنین است:

اسم و القاب امام رضا علیه السلام (ج ۱، ص ۱۴)؛ مادر امام رضا علیه السلام (ج ۱، ص ۱۴-۱۶)؛ درگیری میان امام موسی بن جعفر علیه السلام با هارون به نقل از طالقانی از صولی (ج ۱، ص ۶۹-۷۲)؛ علت دستگیری امام موسی بن جعفر علیه السلام توسط هارون به توطئه یکی از رجال زیدیه (ج ۱، ص ۷۳)؛ درباره امام موسی بن جعفر علیه السلام به نقل از طالقانی از صولی (ج ۱، ص ۸۵-۸۸)؛ تکلیف مالایطاق و نظر امام رضا علیه السلام درباره آن (ج ۱، ص ۱۴۱)؛ زیدبن موسی بن جعفر و رفتن وی به نزد مأمون به نقل از احمدبن یحیی المکتب از صولی (ج ۱، ص ۲۴۸)؛ علت جاودانگی قرآن (ج ۲، ص ۸۷)؛ توضیح درباره حدیث اصحابی کالنجوم (ج ۲، ص ۸۷)؛ صحابی بودن معاویه و نظر امام رضا علیه السلام در رد این عقیده (ج ۲، ص ۸۷-۸۸)؛ حکم محارب یا حضرت امیر علیه السلام (ج ۲، ص ۸۸)؛ ستایش امام موسی بن جعفر توسط امام صادق علیه السلام (ج ۲، ص ۱۲۷)؛ نظر امام رضا علیه السلام درباره سماع (ج ۲، ص ۱۲۸)؛ درباره نسب ائمه (ج ۲، ص ۱۲۸)؛ رفتار اخلاقی امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۱۲۸)؛ نعیم حقیقی در دنیا و نظر امام رضا علیه السلام درباره آن (ج ۲، ص ۱۲۹-۱۳۰)؛ ویژگی‌های قرآن (ج ۲، ص ۱۳۰)؛ درباره شأن نزول آیه «یا ایها الرسول بلغ» (ج ۲، ص ۱۳۰)؛ حدیثی از امام رضا علیه السلام به نقل از امام صادق علیه السلام (ج ۲، ص ۱۳۰)؛ حدیثی از امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۱۳۱)؛ اشعاری از دعبل (ج ۲، ص ۱۴۱-۱۴۲)؛ دو خبر؛ شعری از ابونواس درباره امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۱۴۴)؛ این روایت با این سلسله سند است: «حدثنا ابونصر محمدبن الحسن بن ابراهیم الکوفی الکاتب بابلاق قال حدثنا ابوالحسن محمدبن صفیر الغسانی قال حدثنا ابوبکر الصولی»؛ پیشنهاد ولایتعهدی مأمون به امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۱۴۴)؛ درباره خصائص امام سجاد علیه السلام (ج ۲، ص ۱۴۵)؛ خطبه عبدالجبار بن سعید به هنگام ولایتعهدی امام رضا علیه السلام در مدینه (ج ۲، ص ۱۴۵)؛ نصیحتی از امام رضا علیه السلام به مأمون بعد از ولایتعهدی (ج ۲، ص ۱۴۵)؛ خطبه فردی به هنگام ولایتعهدی امام رضا علیه السلام نزد مأمون (ج ۲، ص ۱۴۶)؛ سخنانی از امام رضا علیه السلام بعد از مراسم ولایتعهدی (ج ۲، ص ۱۴۶-۱۴۷)؛ سخنان مأمون بعد از ولایتعهدی امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۱۴۷)؛ اشاره

فضل بن سهل در ولعهد کردن امام رضا علیه السلام به مأمون (ج ۲ ص ۱۴۷-۱۴۸)؛ احوال یکی از شاعران معاصر با امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۱۴۸-۱۴۹)؛ دیدار مأمون با امام رضا علیه السلام بعد از قتل فضل بن سهل (ج ۲، ص ۱۶۴)؛ سخنانی از امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۱۶۴)؛ عفو فردی به پا در میانی امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۱۶۵)؛ اشعاری از امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۱۷۷-۱۷۸)؛ شعری که امام رضا علیه السلام فراوان می‌خواندند (ج ۲، ص ۱۷۸)؛ خصائص اخلاقی امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۱۷۸)؛ حدیثی از امام رضا علیه السلام به نقل از امام صادق علیه السلام (ج ۲، ص ۱۷۹)؛ خبری از جد صولی درباره امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۱۷۹)؛ وصف امام رضا علیه السلام به گفته ابراهیم بن عباس (ج ۲، ص ۱۸۰)؛ رفتاری نادرست از زبیر بن بکار نسبت به حضرت و فرجام آن (ج ۲، ص ۲۲۴)؛ سخنی از امام رضا علیه السلام در پاسخ به وعده مأمون برای بازگشت به بغداد (ج ۲، ص ۲۲۴)؛ تمایل باطنی مأمون نسبت به امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۲۳۱-۲۳۲)؛ جریان ورود برادر امام رضا علیه السلام زیدالنار، در سال ۱۹۹ به نزد مأمون (ج ۲، ص ۲۳۲)؛ ستایش فردی از امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۲۳۶)؛ آزاد کردن بردگان به دست امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۲۳۷)؛ شیوه نامه نگاری حضرت با امام جواد علیه السلام (ج ۲، ص ۲۴۰)؛ خبری درباره وفات امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۲۴۰-۲۴۱)؛ تاریخ بیعت امام رضا علیه السلام با مأمون و وفات امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۲۴۵)؛ مرثی در وفات امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۲۵۱-۲۵۴).

#### چند نکته دیگر درباره کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام

اطلاعات موجود در منابع رجالی و کتب تراجم درباره شیخ صدوق اندک است و برای شرح احوال وی کافی نیست. خوشبختانه شیخ صدوق

در آثار متعدد خود، مطالب فراوانی درباره خود آورده که می‌توان بر اساس آنها اطلاعات بیشتری درباره وی گردآوری کرد. در این بخش به بررسی این مطالب براساس کتاب عیون اخبارالرضا علیه‌السلام می‌پردازیم.

۱. شیخ صدوق، و آخر کتاب عیون اخبارالرضا علیه‌السلام را به ذکر کرامات آن حضرت اختصاص داده است. در بخشی از این گفتار درباره روابط خود با حاکم بویه ری، رکن‌الدوله ابوعلی حسن (حکومت: ۳۲۰-۳۶۶ ق)، می‌نویسد: «قال مصنف هذا الكتاب «ره»: لما استأذنت الامير السعيد ركن الدولة في زيارة مشهد الرضا عليه السلام فأذن لي في ذلك في رجب من سنة اثنين وخمسين و ثلاثمائة (۳۵۲ ق)، فلما انقلبت عنه ردي، فقال لي: هذا مشهد مبارك قد زرتة و سألت الله تعالى حوائج كانت في نفسي، فقصها لي، فالتقصر في الدعاء لي هناك والزيارة عني، فان الدعاء فيه مستجاب، فضمنت ذلك له و وفيت به، فلما عدت من المشهد على ساكنه التحية والسلام و دخلت اليه، فقال لي: هل دعوت لنا و زرت عنا؟ فقلت: نعم. فقال لي: قد احسنت قدصح لي ان الدعاء في ذلك المشهد مستجاب» (عیون اخبارالرضا ج ۲، ص ۲۷۹).

براساس قید «السعيد» می‌توان تاریخ تألیف کتاب عیون اخبارالرضا علیه‌السلام را پس از وفات این امیر بویه (۳۶۶ ق) دانست. ارجاع به تألیفات دیگر صدوق در متن کتاب نیز مؤید این گمان است. از آثاری که شیخ صدوق از آنها یاد کرده، می‌توانیم به کمال‌الدین و تمام النعمة فی اثبات الغيبة و كشف الحيرة، الخصال معانی الاخبار اشاره کنیم. می‌دانیم که شیخ صدوق، دومین سفر خود به مشهد را در ۳۶۷ ق. آغاز کرده است و بعد از زیارت به نیشابور برگشته و مدتی نیز در آنجا سکونت داشته است. در ۱۷-۱۹ شعبان ۳۶۸ ق به مشهد بوده و سفر خود را به ماوراءالنهر آغاز کرده است. وی در راه بازگشت از سفر ماوراءالنهر به تألیف کتاب کمال‌الدین پرداخت. بنابراین تألیف کتاب عیون اخبارالرضا علیه‌السلام پس از ۳۶۸ ق. است.

۲. یعقوبی در تاریخ خود از نامه مأمون به فضل بن سهل سخن گفته و از آن با عنوان کتاب الشرط والحياء یاد کرده است. شیخ صدوق متن این نامه را به نقل از کتابی آورده است: «و وجدت في بعض الكتب نسخة كتاب الحياء و الشرط من الرضا على بن موسى عليه السلام الى العمال في شأن الفضل بن سهل و أخيه ولم أرو ذلك عن احد»<sup>۲</sup> (ج ۲، ص ۱۵۴-۱۵۹).

۳. یکی از آثار مهم در تاریخ خراسان کتاب اخبار خراسان یا ولایة الخراسان ابوعلی حسین بن احمد سلامی است که در اختیار مورخان چون ابن کثیر بوده و مطالبی از آن نقل کرده‌اند. شیخ صدوق خبری را با تصریح به نام این کتاب نقل کرده است: «و قد ذکر قوم... منهم ابوعلی الحسين بن احمد السامی، فانه ذکر ذلك في كتابه الذي صنفه في اخبار

خراسان» (ج ۲، ص ۱۶۵-۱۶۶).

۴. نجاشی در ذیل شرح حال محمد بن سنان (متوفی ۲۱۰ ق) به نقل از ابن عقده می‌نویسد: «أنه روى عن الرضا عليه السلام... و له مسائل عنه معروفة» (رجال النجاشی، ص ۳۲۸). شیخ صدوق متن کامل این کتاب را به اسناد خود نقل کرده است (ج ۲، ص ۸۸-۹۹).

۵. یکی از مسائلی که شیخ صدوق در کتاب عیون اخبارالرضا علیه‌السلام به آن توجه کرده، ذکر محل‌های تاریخی است که به نحوی با سفر امام رضا به خراسان مربوط بوده است. از این موارد، حمامی در محله فُر شهر نیشابور است.<sup>۳</sup> شیخ صدوق در این باره می‌نویسد: «يقال ان الرضا عليه السلام لما دخل نيسابور نزل في محلة يقال لها الفر فبني [در اصل الفروینی] فيها حمام و هو الحمام المعروف بحمام الرضا...» (ج ۲، ص ۱۳۵). در فهرس بحارالانوار (ج ۳، ص ۱۴۱) این نام به همین صورت تصحیف شده به عنوان نام مکانی ضبط شده است.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. درباره صاحب بن عباد ر. ک: ابوحیان التوحیدی، مثالب الوزیرین، تحقیق ابراهیم کیلانی، دمشق، ۱۹۶۱؛ یاقوت حموی، معجم‌الادباء، ج ۶، ص ۱۶۸-۳۱۷. منابع اصلی حموی در نقل احوال صاحب‌المنتظم ابن جوزی مثالب الوزیرین توحیدی و مشارب التجارب ابوالحسن بیهقی است.
۲. درباره صولی ر. ک: ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۳۰۳. یکی از مصادر ذهبی در نقل احوال صولی الفهرست ابن ندیم (ص ۱۶۷-۱۶۸) بوده است. ابن ندیم به وفات صولی در بصره در حدود سال ۳۳۰ اشاره کرده است.
۳. درباره این نامه و تحلیل آن ر. ک:

wilferd Madelung, "New Documents Concerning al-Mamun, al-Fadl b. Sahl and Ali al-Rida", Studia Arabica et Islamica. Festschrift for Ihsan Abbas, ed., Wadad al-Qadi, Beirut: University of American Beirut, 1981, pp. 333-339.

۴. سمعانی (الانساب ج ۴، ص ۳۸۲) درباره این محله می‌نویسد: «هی محله بنیسابور يقال له بوزکان» (در اصل: یوز). یاقوت (معجم‌البلدان، ج ۴، ص ۲۶۰) نیز به نقل از سمعانی می‌نویسد: «هی محله بنیسابور و يقال له ایضاً بوزکان». ضبط این نام در عیون الاخبار به خطا به صورت «الفروینی» آمده و به نقل از همان در بحارالانوار (ج ۴۹، ص ۱۲۳) نیز به صورت نادرست آمده است.

## کتاب الجبر والاستطاعة ابوالحسین محمدبن جعفر اسدی

اشاره:

ابوجعفر محمدبن علی بن حسین بن بابویه (متوفی ۳۸۱ ق.)، از عالمان پر اثر امامی در اواخر دوران غیبت صغری (۲۶۰-۳۲۹ ق) و دهه‌های نخستین غیبت کبری است. از میان آثار متعدد وی کتاب‌های کمال‌الدین و تمام‌النعمه و کتاب التوحید، جزو آثاری است که وی آنها را در رد خرده‌گیران بر امامیه نوشته است.

می‌دانیم که شیخ صدوق مدتی را در قم گذرانده و سپس به شهر ری مهاجرت کرده است. درباره زمان این مهاجرت اطلاع دقیقی در دست نیست و تنها بر اساس حدس و گمان، ظاهراً باید پس از وفات استادش محمدبن حسن بن ولید قمی (متوفی ۳۴۳ ق) باشد. احتمالاً در همین شهر، شیخ صدوق با افکار و آرای عالمان محدثی چون ابوالحسین محمدبن جعفر اسدی (متوفی ۳۱۲ ق) و متکلم نامدار شیعه ابن قبه (متوفی قبل از ۳۱۹ ق) آشنا شده است. با توجه به تاریخ وفات این افراد، شیخ صدوق نزد آنها مستقیماً تلمذ نکرده و طبیعی است که برخی از مشایخ مجیز (اجازه‌دهنده) اجازه روایت آثار این دو عالم امامی را به او داده باشند. در این نوشتار، با توجه به کتاب التوحید، خواهیم دید که شیخ صدوق از طریق چهار تن از مشایخ خود در شهر ری روایاتی از کتاب ابوالحسین اسدی را تخریج کرده و در اثر خود، التوحید، آورده است این کتاب احتمالاً الجبر و الاستطاعة یاد شده در منابع در ذیل شرح حال اسدی باشد.

### علت نگارش کتاب التوحید

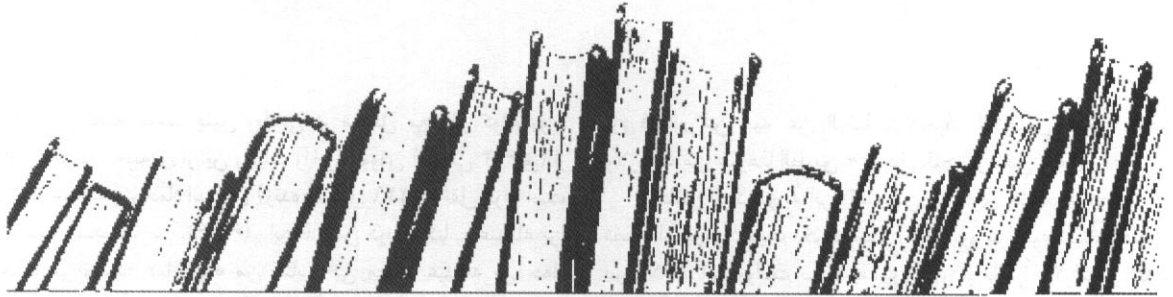
شیخ صدوق در آغاز کتاب التوحید (ص ۱۷-۱۸) علت نگارش کتاب خود را چنین توضیح داده است:

ان الذی دعانی الی تألیف کتابی [یعنی التوحید] هذا انی و جدت قوماً من المخالفین لنا ینسبون عصابتنا الی القول بالتشبیة والجبر لما وجدوا فی کتبهم من الأخبار التي جهلوا تفسیرها و لم يعرفوا معانیها و وضعوا فی غیر موضعها و لم یقابلوا بألفاظها ألفاظ القرآن فقبحوا بذلك عندالجهال صورة مذهبنا و لبسوا علیهم طریقتنا و صدوا الناس عن دین الله و حملوهم علی جحودالله فتقربت الی الله تعالی ذکره

بتصنیف هذا الكتاب فی التوحید و نفی التشبیة والجبر...»  
احتمالاً منظور شیخ صدوق از خرده‌گیران بر شیعه (عصابتنا)، معتزله یا زیدیه باشد. می‌دانیم که این دو جریان علاوه بر ایرادات دیگری که بر شیعیان می‌گرفتند، در مسئله جبر و تشبیه، اصرار فراوان‌تری داشته‌اند. برای مثال ابوالحسین خیاط (متوفی حدود ۳۰۰ ق) در اشاره به دیدگاه‌های شیعه در این مسائل نوشته است: «و أما جملة قول الرافضة فهو أن الله عزوجل ذوقد و صورة و حد یتحرک و یسکن و یدنو و یبعد و یخف و یثقل و ان علمه محدث و أنه کان غیرعالم فعلم و ان جمیعهم یقول بالبدء و هو أن الله یخبر أنه یفعل الأمر ثم یدنو له فلا یفعله. هذا توحید الرافضة بأسرها ألا نفرأ منهم یسیراً صحبوا المعتزل و اعتقدوا التوحید فنفتهم الرافضة عنهم و تبرأت منهم» (الانتصار، ص ۳۶) بنابراین شیخ صدوق در این کتاب (التوحید) می‌بایستی با بهره‌گیری از روایات و آثار کهن‌تر امامیه، در رد عقیده به تشبیه و جبر مطالبی را نقل کند. یکی از این مصادر، کتاب الجبر و الاستطاعة نوشته عالم امامی ساکن ری، ابوالحسین محمدبن جعفر بن عون اسدی است. نجاشی (متوفی ۴۵۰ ق) درباره ابن عون اسدی نوشته است.

ابوالحسین محمدبن جعفر بن عون اسدی کوفی، ساکن در شهر ری است. به او محمدبن ابی‌عبدالله نیز گفته‌اند (یعنی به این نام شهرت داشته است) فردی ثقه، صحیح‌الحديث بوده است جز آنکه از افراد ضعیف نیز روایت نقل می‌کرده است. وی از جمله کسانی بوده که قائل به جبر و تشبیه بوده است. پدر وی (یعنی جعفر بن عون اسدی) از بزرگان امامیه بوده است و احمدبن محمدبن عیسی از او نقل روایت کرده است.

محمدبن جعفر اسدی کتابی به نام الجبر و الاستطاعة دارد. تمام آثار او را ابوالعباس بن نوح از حسن بن حمزه از محمدبن جعفر اسدی گزارش کرده است. ابوالعباس همچنین گفته است که ابوالحسین محمدبن جعفر در شب پنج‌شنبه، ده روز باقی مانده از جمادی‌الاولی سال ۳۱۲ ق درگذشته است. ابن نوح (طریق دیگر روایت آثار او) همه آثار او را از ابوالحسن بن داود از احمدبن حمدان قزوینی از ابن عون نیز



روایت کرده است» (رجال النجاشی، ص ۲۷۳).

از این عبارت مشخص می‌شود که مشهورترین کتاب ابن عون اسدی، اثری به نام الجبر والاستطاعة بوده است که احتمالاً با توصیفی که نجاشی از عقاید او آورده (و کان يقول بالجبر والتشبيه)، دربردارنده چنین عقایدی نیز بوده است.

شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ ق؛ الفهرست، ص ۱۵۱) نیز از محمدبن جعفر اسدی یاد کرده و از این کتاب او با عنوان الرد علی اهل الاستطاعة سخن گفته است. این کتاب را شیخ طوسی از گروهی از روایت امامیه از هارون بن موسی تلعبیری (متوفی ۳۸۵ ق) از مؤلف روایت کرده است. اهمیت کتاب التوحید شیخ صدوق، در این میان در این است که بیش از پنجاه روایت از کتاب الجبر والاستطاعة ابن عون را دربردارد. به عبارت دیگر شیخ صدوق، روایاتی از این کتاب ابن عون را تخریح و در کتاب التوحید به نقل از مشایخ خود و راویان آثار ابن عون نقل کرده است. شیخ صدوق روایات خود از کتاب ابن عون را از چهار راوی کتاب وی نقل کرده است. نام این افراد چنین است:

علی بن احمد بن محمد بن عمران دقاق. شیخ صدوق بیشترین روایات را از طریق این فرد که ظاهراً از عالمان امامیه ری است، از ابن عون نقل کرده است. موارد نقل شده به این سند چنین است: التوحید، ص ۴۱-۴۴، ۴۸-۶۷، ۹۹-۱۰۰، ۱۰۷-۱۰۸، ۱۱۳-۱۱۵، ۱۱۷، ۱۳۴، ۱۳۸-۱۴۰، ۱۴۶، ۱۵۱-۱۵۴، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۷۱-۱۷۲، ۱۷۸-۱۷۹، ۱۸۴، ۱۹۲-۱۹۴، ۲۲۴-۲۲۵، ۲۸۴، ۲۹۰، ۳۰۸-۳۰۹، ۳۱۹-۳۲۴، ۳۶۲، ۳۸۲، ۴۰۲-۴۰۳، ۴۵۷-۴۵۸.<sup>۱</sup>

محمد بن احمد شبیبانی / سنائی که این موارد را از او نقل کرده است: التوحید، ص ۲۰، ۹۶، ۱۸۳-۱۸۴ و ۴۰۳.<sup>۲</sup>

محمد بن موسی بن المتوکل: التوحید، ص ۱۹، ۲۵، ۲۸۰.<sup>۲</sup>  
الحسین بن ابراهیم بن احمد بن شام المکتب: التوحید، ص ۹۵، ۲۲۴، ۲۸۹.<sup>۲</sup>

تأمل در اسناد برخی از این روایات مؤید حدس نگارنده در تخریح روایات ابن عون توسط شیخ صدوق است. مویذ دیگر بر تخریح احادیثی از ابن عون، این نوشته شیخ صدوق است: «و قد روی لی من

طریق ابي الحسين الاسدي رضی الله عنه...» (التوحید، ص ۳۳۶). دلیل دیگری برای آنکه این افراد مشایخ مجیز کتاب ابن عون اند، تصریح شیخ صدوق است. شیخ صدوق در صفحه ۱۷۲ می‌نویسد: «حدثنا محمد بن احمد السنائي والحسن بن ابراهيم بن احمد بن شام المکتب و علی بن احمد بن محمد بن عمران رضی الله عنهم قالوا: حدثنا محمد بن ابي عبدالله الكوفي...».

یکی دیگر از متونی که شیخ صدوق، برخی از احادیث آن را تخریح و نقل کرده است، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) است (ص ۴۷، ۲۳۰-۲۳۲، ۴۰۳). نکته دیگری که از کتاب التوحید شیخ صدوق می‌توان دریافت، داوری سیدمرتضی (متوفی ۴۳۶ ق) درباره نظریات کلامی اهل قم است. سیدمرتضی در این باره می‌نویسد: «و أن القميين كلهم من غير استثناء لاحد منهم الا ابا جعفرين بابويه رحمة الله عليه بالامس كانوا مشبهة مجبرة و كتبههم و تصانيفهم تشهد بذلك و تنطق به» (رسائل الشریف المرتضی، ج ۳، ص ۳۱۰).

شیخ صدوق نیز در عبارتی، چنین موضعی را به نحو ضمنی تأیید کرده و می‌نویسد: «والاخبار التي رويت في هذا المعنى (یعنی روایت باری) و أخرجها مشايخنا رضی الله عنهم في مصنفاتهم عندی صحیحة و أنما تركت ایرادها فی هذا الباب خشية أن يقرأها جاهل بمعانيها فيكذب بها فيكفر بالله عزوجل و هو لا يعلم.

والأخبار التي ذكرها احمد بن محمد بن عيسى في نوادره و التي أوردها محمد بن احمد بن يحيى في جامعه في معنى الرؤية صحیحة لا يردها الا مكذب بالحق أو جاهل به و ألفاظها ألفاظ القرآن» (التوحید، ص ۱۱۹-۱۲۰).

نکته شگفت‌آوری که در برخی روایات شیخ صدوق وجود دارد، روایاتی دال بر تشبیه و جبر با زوات غیر امامی است. نمونه‌ای از این دست، روایتی در صفحه ۲۳-۲۴ و با همان سلسله سند در صفحه ۳۷۶-۳۷۷ است. روایت این احادیث غیر امامی و ظاهراً تنها دلیل روایت این احادیث آن است که متن حدیث منقول از ائمه شیعه است. بخش پایانی کتاب شیخ صدوق به نقل روایاتی در ذم اهل کلام

بن فضال عن ابیه عن الرضا و لایعرف الکوفیون هذه النسخه ولا رویت من غیر هذا الطريق.» (رجال النجاشی، ص ۲۵۸).

نجاشی خود نیز به این گفته ابن غضائری افزوده است که ابن فضال از پدرش روایت نکرده است («ولم یرو عن ابیه شیئاً»: همان، ص ۲۵۸). این روایات صبغة تفسیری دارد و ظاهراً برگرفته از کتاب التنزیل من القرآن و التحریف ابن فضال باشد. شیخ صدوق با همین سلسله سند روایاتی در آثار متعدد خود نقل کرده است (برای مثال در الامالی، ص ۱۰، ۱۷، ۶۳-۶۴، ۷۳، ۱۲۹، ۲۲۲، ۵۵۸ و ۶۱۱؛ معانی الاخبار، ص ۱۳، ۵۲، ۱۰۲، ۳۷۳-۳۷۴). در التوحید (ص ۲۲۹). تنها یک روایت با این سلسله سند آورده است و به دو طریق دیگر روایاتی از این کتاب ابن فضال تخریج کرده است. چهار روایت از این کتاب را به روایت محمد بن ابراهیم بن احمد بن یونس معاذی (التوحیدی، ص ۱۶۲-۱۶۳) و روایت بلندی از طریق محمد بن بکران نقاش (التوحید، ص ۲۳۲-۲۳۳) از ابن فضال نقل کرده است.

مقایسه سلسله سندهای کتاب‌های الفهرست شیخ طوسی و کتاب الرجال نجاشی با سلسله اسناد کتاب‌های شیخ صدوق و تأمل در بخش المشیخة کتاب من لایحضره الفقیه، می‌تواند در شناسایی مشایخ مجیز و آثاری که شیخ صدوق از آنها تخریج کرده است، به محققان کمک فراوانی کند. چند مورد ذکر شده، تنها اندکی از این موارد است. نمونه‌ای واضح در این باره، کتاب العلل فضل بن شاذان نیشابوری (متوفی ۲۶۰ ق) است. شیخ صدوق در بیان طریق خود به کتاب العلل می‌نویسد: «و ما کان فیه عن الفضل بن شاذان من العلل التي ذکرها عن الرضا علیه السلام، فقد رویته عن بعدالواحد بن عبدوس النیسابوری العطار رضی الله عنه عن علی بن محمد ابن قتیبه عن الفضل بن شاذان النیسابوری عن الرضا علیه السلام» (من لایحضره الفقیه، ج ۴ ص ۵۳-۵۴).

این را می‌دانیم که شیخ صدوق در سال ۳۵۲ ق و سفرش به خراسان از ابن عبدوس در نیشابور سماع حدیث کرده (عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۱۸) و کتاب العلل فضل را به روایت شاگرد وی یعنی علی بن محمد بن قتیبه از ابن عبدوس روایت کرده است (علل الشرایع، ج ۱ ص ۲۵۱-۲۷۵؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۹۹-۱۲۱). همچنین شیخ صدوق به همین طریق از آثار دیگر فضل روایتی نقل کرده است (علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۵۸، ج ۲، ص ۵۶۸؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۰۹، ج ۲، ص ۲۳؛ التوحید، ص ۱۳۷، ۲۶۹). به این ترتیب مشخص می‌شود که شیخ صدوق کتاب التوحید را بعد از ۳۵۲ ق نگاشته است. شیخ صدوق از استاد خود محمد بن حسن بن ولید

اختصاص یافته است. چنین روایاتی در محافل محدثان کوفه رواج داشته است. نمونه‌ای از این روایات را ابن طاووس (متوفی ۶۶۴ ق) از کتاب عبدالله بن حماد انصاری (زنده به سال ۲۲۹ ق) نقل کرده است (کشف المحجّة، ص ۶۲-۶۳). ابن طاووس درباره کتاب عبدالله بن حماد می‌نویسد: «ما رویته من کتاب ابي محمد عبدالله بن حماد الانصاری من اصحاب مولانا الكاظم (متوفی ۱۸۳ ق) علیه السلام و نقلته من أصل قری علی الشیخ الصدوق الذی ذکر جدک ابو جعفر الطوسی أنه لم یکن له نظیر فی زمانه و هو هارون بن موسی التلعکبری (متوفی ۳۸۵ ق) تغمده الله جل جلاله برضوانه تأریخه سنة ۳۷۶...» (کشف المحجّة، ص ۶۱).

نکته دیگر قابل ذکر درباره کتاب التوحید، وجود نقلی از تفسیر کهن امامی، یعنی تفسیر ابوالجارود زیاد بن منذر، در آن است. نجاشی (الرجال، ص ۱۷۰) در ضمن آثار ابوالجارود به کتاب تفسیر القرآن وی اشاره کرده است. در این تفسیر، ابوالجارود، روایات تفسیری از امام باقر (ع) را گردآوری کرده است. نجاشی سلسله سند روایت این کتاب را به روایت جمعی از اصحاب امامیه از احمد بن محمد بن سعید معروف به ابن عقده (متوفی ۳۳۳ ق) از جعفر بن عبدالله محمدی (زنده به سال ۲۶۸) از ابوسهل کثیر بن عیاش قطان از ابوالجارود ذکر کرده است. شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ ق) نیز درباره تفسیر ابوالجارود نوشته است. «واخبرنا بالتفسیر احمد بن عبدون عن ابي بکر [احمد بن عبدالله] الدوری [درباره او ر.ک: رجال النجاشی، ص ۸۵] عن ابن عقدة عن ابي عبدالله جعفر بن عبدالله بن جعفر بن عبدالله بن محمد ابن علی بن ابي طالب المحدثی عن کثیر بن عیاش القطان - و کان ضعيفاً و خرج ایام ابي السرايا معه، فاصابته جراحة - عن زیاد بن المنذر ابي الجارود عن ابي جعفر الباقر علیه السلام». (الفهرست، ص ۱۳۱-۱۳۲).

شیخ صدوق از این تفسیر با همین سلسله سند گاه از طریق علی بن حاتم نوفلی (الامالی، ص ۱۲۴، ۳۱۶) و در دیگر موارد به واسطه محمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی (زنده به سال ۳۳۹ ق) نقل حدیث کرده است (التوحید، ص ۲۳۶؛ معانی الاخبار، ص ۴۵).

آخرین نکته درباره کتاب التوحید، روایت مجموعه‌ای از احادیث به گردآوری و تدوین محدث مشهور امامیه کوفه علی بن حسن بن فضال است. نجاشی به نقل از احمد بن حسین غضائری (متوفی ۴۱۱ ق) نوشته است: «و ذکر احمد بن الحسين رحمه الله انه رأى نسخة اخرجها ابو جعفر بن بابويه و قال حدثنا محمد بن ابراهیم بن اسحاق الطالقانی قال حدثنا احمد بن محمد بن سعید قال حدثنا علی بن الحسن

محمدبن موسی بن متوکل نقل کرده است ر.ک: الامالی، ص ۱۵۸.  
 ۴. برای روایات دیگر وی از اسدی ر.ک: الامالی، ص ۳۸، ۲۴۳،  
 ۴۰۹، ۵۴۵، ۵۵۲، ۶۷۰، الخصال، ج ۲، ص ۵۴۳؛ علل الشرایع، ج ۱، ص  
 ۶۸، ۱۳۱؛ ج ۲، ص ۴۰۵؛ عیون اخبار، ج ۱، ص ۱۲۰؛ ج ۲ ص ۲۴، ۹۸،  
 ۲۵۵، ۲۷۲، معانی الاخبار، ص ۲۹۱، ۳۸۷.

۵. در این باره همچنین ر.ک: ویلفرد مادلونگ، مکتبها و  
 فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، ترجمه جواد قاسمی، مشهد،  
 ۱۳۷۵ ش، ص ۱۲۴؛ المفید، تصحیح الاعتقاد (سلسله مولفات الشیخ  
 المفید)، بیروت، ۱۴۱۴ ق)، ج ۵، ص ۶۸-۷۳؛ سید حسین مدرسی،  
 مقدمه‌های بر فقه شیعه، ترجمه محمد آصف فکرت (مشهد، ۱۳۶۸)،  
 ص ۳۲.

۶. جعفر بن عبدالله محمدی از استادان بزرگ حدیثی ابن عقده  
 (متوفی ۳۳۳ ق) است ر.ک: النجاشی کتاب الرجال، ص ۲۰، ۱۲۹،  
 ۱۳۷، ۱۷۰، ۱۹۴، ۲۲۴، ۲۵۲، ۲۸۰، ۳۰۰، ۳۳۲، ۴۱۱، ۴۲۱، ۴۴۳، نیز  
 ر.ک: الصدوق، الامالی، ص ۲۵۴. در اشاره به وی، شیخ طوسی در  
 بخش «من لم یروعن الائمه» به نماز گزاردن محمدی بر پیکر عالم  
 امامی محمد بن حسین صائغ در سال ۲۶۸ ق (الرجال، ص ۴۴۱)  
 اشاره کرده است. نعمانی در کتاب الغیبه (ص ۲۲۴) روایتی از وی از  
 طریق ابن عقده که ابن عقده در سال ۲۶۸ ق از محمدی و ظاهراً در  
 کوفه سماع کرده آورده است. نام محمدی در سلسله روایات شیعی  
 فراوان آمده است. از مصادر اهل سنت نیز نام وی در سلسله اسناد چند  
 حدیث (تاریخ مدینه دمشق، ج ۱، ص ۲۱۳؛ ج ۲، ص ۵۰، ۱۴۶، ۴۸۷؛  
 ج ۳، ص ۳۲۴؛ تاریخ بغداد؛ ج ۱، ص ۲۱۳) نیز آمده است. در مدخل  
 «ابن عقده»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (ج ۴ ص ۳۱۸-۳۲۰) به این  
 استاد مهم ابن عقده با وجود کثرت منقولات از وی اشاره‌ای نشده  
 است.

همچنین از روایت تفسیر ابوالجارود زیاد بن منذر توسط ابن عقده  
 از محمدی سخنی به میان نیامده است. عمده روایات از تفسیر  
 ابوالجارود را قمی در تفسیر خود با سلسله سند احمد بن محمد همدانی  
 از جعفر بن عبدالله محمدی از کثیر بن عیاش از ابوالجارود نقل کرده  
 است. ر.ک: محمد کاظم رحمتی، «حاکم حسکانی و تفاسیر کهن  
 امامیه»، کتاب ماه دین، شماره ۶۳-۶۴.

۷. درباره مواردی که به نام کتاب الجامع تصریح شده ر.ک: اتان  
 کلبرگ، کتابخانه ابن طاووس، برای موارد دیگر که تنها نام ابن ولید  
 قمی آمده ر.ک: فلاح السائل، ص ۲۷-۲۸، ۳۸، ۴۱-۴۳، ۵۲، ۲۱۵،  
 ۲۳۰، ۲۴۴، ۲۷۴، ۲۷۹.

قمی روایات فراوانی را نقل کرده است ولی به نام اثر یا آثار وی کمتر  
 تصریح کرده است. اما می‌دانیم کتاب مهم ابن ولید قمی، الجامع بوده  
 که خبر بلندی از آن را شیخ صدوق در التوحید (ص ۲۲۶-۲۲۹) با  
 تصریح به نام کتاب الجامع نقل کرده است.<sup>۷</sup> کتاب الجامع تا قرن  
 هشتم موجود بوده است و ابن طاووس به کرات گاه با تصریح و گاه  
 تنها با استناد به محمدبن حسن بن ولید از آن نقل قول کرده است.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. این فرد برای شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا و آثار دیگر شیخ  
 صدوق، روایاتی از اسدی نقل کرده است اما موضوع برخی از این  
 احادیث به مسئله جبر و استطاعت مربوط نیست و احتمالاً نقل از آثار  
 دیگر اسدی یا اثر کهن‌تر امامی باشد. ر.ک: عیون اخبار الرضا ج ۱،  
 ص ۱۳، ۵۹، ۱۱۹ (صفات خدا)، ۱۳۳ (توحید)، ۲۵۸، ۳۱۳؛ ج ۲، ص  
 ۲۴، ۸۳، ۸۸، ۱۴۰، ۱۷۵، ۲۱۳، ۲۳۵، ۲۷۲؛ فضائل الأشهر، ص  
 ۳۸؛ کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۳۵، ج ۲، ص ۳۵۸؛ معانی  
 الاخبار، ص ۶۲، ۳۸۷.

۲. برای روایات دیگر این فرد از اسدی ر.ک: الامالی، ص ۱۵، ۲۰،  
 ۱۵۰، ۲۴۳، ۲۷۹، ۳۰۰، ۳۳۱، ۳۶۵، ۴۱۰، ۶۵۷؛ الخصال، ج ۲، ص ۵۴۳؛  
 علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۳، ۳۴ (محمدبن احمد اسدی ظاهراً تصحیف  
 محمدبن جعفر اسدی است)، ۶۸، ۱۳۱، ۱۷۳، ۲۰۱، ۲۳۴؛ ج ۲، ص  
 ۴۰۵، ۵۱۴؛ عیون اخبار الرضا ج ۱، ص ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۳۸، ۲۸۸؛ ج ۲ ص  
 ۲۴، ۸۸، ۱۱۴، ۲۱۷، ۲۳۲، ۲۵۵، ۲۶۰، ۲۷۲؛ فضائل الأشهر، ص ۱۸،  
 ۱۲۳؛ کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۰۳، ۳۱۹، ۳۲۲؛ ج ۲، ص ۳۷۷، ۵۲۰،  
 ۵۲۴؛ معانی الاخبار، ص ۱۳۱، ۱۳۹، ۲۲۳، ۳۱۶، ۳۶۸.

۳. درباره روایات دیگر وی از اسدی ر.ک: الاختصاص، ص ۲۲۳؛  
 اعلام الوری، ص ۳۹۷؛ اقبال، ص ۲۱۳ (در نقل اخیر، اسدی از کتاب  
 حسن بن عباس بن حریش در فضیلت شب قدر روایتی را نقل کرده  
 است؛ همچنین فضائل الأشهر، ص ۱۱۷)؛ الامالی، ص ۴۲، ۴۶، ۲۰۰،  
 ۴۶۳، ۴۷۳، ۴۷۴، ۶۳۱، ۶۵۵؛ ثواب الاعمال، ص ۶، ۱۵، ۴۹، ۵۰، ۱۳۰،  
 ۱۵۰، ۱۵۸، ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۸۰؛ الخصال، ج ۲، ص ۵۳۱؛ عیون اخبار، ج ۲،  
 ص ۱۳۵؛ کمال‌الدین، ج ۱، ص ۱۳، ۲۵۷-۲۵۸، ۲۸۷، ۲۹۴؛ معانی  
 الاخبار، ص ۳۷۰. برخی از این احادیث مکرر است و این احتمال هم  
 هست که اسدی خود تنها راوی اثری کهن‌تر باشد. همچنین روایات  
 متعددی از اسدی در رد واقفه و امامت امام رضا(ع) موجود است که  
 این احتمال را تقویت می‌کند که وی کتابی نیز در این باره نگاشته  
 باشد. شیخ طوسی روایتی از اسدی به نقل از شیخ صدوق از طریق